ادامه بررسی شواهد علم رسول اکرم صلی الله علیه و آله به غیب

- ۳. «تقتلک الفئه الباغیه»
- ۴. روایت حذیفه: «ما ترک فیها شیئاً الی قیام الساعه»
- جمع‌بندی مسئله حصر غیب در خداوند
- بررسی کیفیت علم غیب در معصومین
- روش بررسی مسئله خمسه ارواح

۳. «تقتلک الفئه الباغیه»

من یادداشتهای دیگری هم دارم. متواتر است؛ چیزی که در تاریخ به فضای جنگ آمد متواتر می‌شود. متواتر است؛ یعنی اگر یک مسیحی و یک کافر تاریخ اسلام را بخواند، مطمئن می‌شود که پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله این جمله مبارک را به عمار یاسر فرموده بودند؛ «تقتلک الفئة الباغیة». چرا متواتر است؟ به‌خاطر این که در فضایی شد که هزاران نفر کشته شده بودند و کسی یادش نبود. به محض اینکه عمار یاسر کشته شد نزاع شد. این لشگر می‌گفتند «قتله عسکر علی» و این طرف می‌گفتند «قتله عسکر معاویة». با اینکه این همه کشته شدند چرا حرفی نبود؟! چرا بار او نزاع شد؟! او می‌گفت این کشته و دیگری می‌گفت که او کشته؟! هر کسی منصف باشد، می‌گوید: بین دو گروه جا افتاده بود که «تقتلک الفئة الباغیة». روایت، متواتر شد. یعنی طرفین خبر را به تواتر رساندند. لذا در صحیح بخاری هم آمده است و اصلا مشکلی ندارد[1]. وقتی در صحیح ترین کتابهای اهلسنت هم بیاید، کار تمام است. ولی من عرض می‌کنم هر کسی دنبال آن برود می‌بیند که متواتر است. خب حضرت فرمودند «تقتلک الفئة الباغیة»، این علم غیب نیست؟! در قرآن نازل شده بود؟! آیه قرآن که نبود. اخبار حضرت به غیب بود. واضح و آشکار!

---

[1] حدثنا مسدد قال: حدثنا عبد العزيز بن مختار قال: حدثنا خالد الحذاء، عن عكرمة: قال لي ابن عباس ولابنه علي: «انطلقا إلى أبي سعيد، فاسمعا من حديثه، فانطلقنا، فإذا هو في حائط يصلحه، فأخذ ردائه فاحتبى، ثم أنشأ يحدثنا، حتى أتى ذكر بناء المسجد، فقال: كنا نحمل لبنة لبنة، وعمار لبنتين لبنتين، فرآه النبي صلى الله عليه وسلم، فينفض التراب عنه، ويقول: **ويح عمار، تقتله الفئة الباغية**، يدعوهم إلى الجنة، ويدعونه إلى النار». قال: يقول عمار: أعوذ بالله من الفتن(كتاب صحيح البخاري ط السلطانية ، ج ١، ص٩٧ و كتاب صحيح البخاري ت البغا ، ج ١، ص١٧٢ و كتاب صحيح البخاري ط السلطانية، ج ٤، ص٢١ و كتاب صحيح البخاري ت البغا ، ج ٣، ص١٠٣٥ و كتاب صحيح مسلم ط التركية ، ج ٨، ص١٨٦ و كتاب صحيح مسلم ت عبد الباقي ، ج ٤، ص٢٢٣٦ و كتاب صحيح مسلم ت عبد الباقي، ج٤، ص٢٢٣٦ و كتاب صحيح مسلم ط التركية ، ج٨، ص١٨٦)

۴. روایت حذیفه: «ما ترک فیها شیئاً الی قیام الساعه»

> عَنْ حُذَيْفَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: «لَقَدْ خَطَبَنَا النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خُطْبَةً، مَا تَرَكَ فِيهَا شَيْئًا إِلَى قِيَامِ السَّاعَةِ إِلَّا ذَكَرَهُ»، عَلِمَهُ مَنْ عَلِمَهُ وَجَهِلَهُ مَنْ جَهِلَهُ، إِنْ كُنْتُ لَأَرَى الشَّيْءَ قَدْ نَسِيتُ، فَأَعْرِفُ مَا يَعْرِفُ الرَّجُلُ إِذَا غَابَ عَنْهُ فَرَآهُ فَعَرَفَهُ

من این روایت را قبلاً دیده بودم و الآن هم دوباره یادداشت کرده‌ام. خیلی عالی است! در صحیح بخاری و مسلم هر دو آمده است؛ صحیح بخاری ج ۸ ص۱۲۳ و صحیح مسلم ج ۴ ص2217[1].

حذیفه نقل می‌کند. می گوید: «**لَقَدْ خَطَبَنَا النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خُطْبَةً، مَا تَرَكَ فِيهَا شَيْئًا إِلَى قِيَامِ السَّاعَةِ إِلَّا ذَكَرَهُ**»؛ این حرف کمی است؟! در صحیحین هم آمده است. می‌گوید حضرت یک خطبه خواندند که الی یوم القیامة هر چه برای ما پیش می‌آید را گفتند. بعد می‌گوید: «**عَلِمَهُ مَنْ عَلِمَهُ وَجَهِلَهُ مَنْ جَهِلَهُ، إِنْ كُنْتُ لَأَرَى الشَّيْءَ قَدْ نَسِيتُ، فَأَعْرِفُ مَا يَعْرِفُ الرَّجُلُ إِذَا غَابَ عَنْهُ فَرَآهُ فَعَرَفَهُ**»؛ می‌گوید حضرت چنان اینها را برای ما گفته بودند که ما فراموش کردیم، وقتی واقع می‌شود یادم می‌آید که عجب! حضرت این را برای ما فرموده بودند که اینطور چیزی پیش می آید! بعد می‌گوید چطور است که شما کسی را در جایی دیده‌اید و او را فراموش کرده‌اید، اما وقتی در یک مجلس دیگری، آن مرد را می‌بینید می‌گویید:آهان! من آن آقا را در آن جا دیده بودم. می‌گوید پیامبر خدا در آن مجلس قضایای آینده را چنان برای ما واضح گفتند که من فراموش کرده بودم، اما وقتی صحنه را می‌بینم متوجه می‌شوم که همانی است که حضرت به ما فرموده بودند!

خب اینطور پیامبری که مطالب را به این صورت فرموده‌اند، ما بگوییم هر کسی بگوید که حضرت غیب می‌دانند، کافر است! آخر اینطور؟! شواهد، یکی و دو تا نیست! بسیار زیاد است. ان شالله خودتان بررسی می کنید.

---

[1] و همینطور: كتاب صحيح مسلم ط التركية، ج ۸، ص۱۷۲

مسلم در کتاب خود، بابی با عنوان «باب إخبار النبي ? فيما يكون إلى قيام الساعة» تنظیم کرده است که این روایت و سایر روایات دال بر علم غیب رسول اکرم صلی الله علیه و آله را می توان در آن مشاهده نمود.

روایاتی از قبیل:« والله إني لأعلم الناس بكل فتنة هي كائنة فيما بيني وبين الساعة»

« أخبرني رسول الله ? بما هو كائن إلى أن تقوم الساعة»

« فأخبرنا بما كان، وبما هو كائن، فأعلمنا أحفظنا »

جمع‌بندی مسئله حصر غیب در خداوند

این برای مسأله حصر و اینکه آیه هیچ دلالتی بر نفی علم غیب از غیر خدا ندارد. آیه شریفه حصر است، حصر ای اضافی است ای به‌معنای دقیقتر حصر حقیقی ادعائی است. باید این معنای لطیف را فهمید. وقتی بفهمید در استثنائیاتی که در خود روایات و آیات شریفه هست، هیچ مشکلی ندارید.

بررسی کیفیت علم غیب در معصومین

روایت «خمسه ارواح»

اما اینکه چطور می‌شود که اولیاء خدا این علم غیب را می‌دانند و فرق آن با سائر علوم غیب چیست؟ در دوجلسه قبل من روایتی را راجع به ارواح خمسه خواندم که فرمودند خدای متعال در انبیاء و اوصیاء پنج روح قرار داده است.

روش بررسی مسئله خمسه ارواح

بعد از جلسه هم عده‌ای مطالب خوبی گفتند. آیا این ارواح خمسه با بیان فلسفی، کلامی و برهانی قابل استدلال هست یا نه؟ عرض می‌کنم حتماً هست.

۱. تصور صحیح

ابتدا باید ارواح خمسه را تصور کرد،

۲. برهانی کردن مسئله به بیان علمی

بعد با بیان علمی هم آن را برهانی کرد.